هو العلیم

معیار انتخاب کالای داخلی و خارجی از منظر اسلام

برگرفته از «جلسات شرح حدیث عنوان بصری»
حضرت آیت‌الله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی
قدّس الله سرّه

مقالهٔ ذیل که بخشی از یکصد و سومین جلسهٔ شرح حدیث عنوان بصری می باشد توسط حضرت استاد سید محمّد محسن حسینی طهرانی دامت افاضاته ایراد گردیده است ،و به بررسی استفاده از کالاهای خارجی در مقابل کالاهای داخلی و اینکه آیا استفاده از محصولات سایر کشورها با وجود تولیدات داخلی امری است مستحسن یا مذموم پرداخته است.

بسم اللَه الرّحمن الرّحیم

اهمّیّت فوق العادهٔ استماع فرمایشات اولیاء الهی

در یکی از نوارهایی که از مرحوم علامه طهرانی راجع به سیر و سلوک بجای مانده است (رفقا قاعدتاً باید شنیده باشند، زیرا بنده بارها عرض کرده ام برای کسانی که بخواهند راه خدا را طی کنند شنیدن مطالبی که از ایشان باقیمانده از اوجب واجبات است، شوخی هم نکردم ، الآن هم تکرار می کنم. این را هم بدانید بنده این مطالب را شاید بیست دفعه از ایشان شنیده ام و باز هم گوش می دهم و ضرر هم نمی کنم، چون انسان کلامی را که از دهان اولیای خدا بشنود خیلی فرق می کند تا بنده و امثال بنده بخواهیم مطالب را بیان کنیم. اگر مطلبی هست آنجاست و اگر مطلبی را بنده می گویم از آن سرچشمه عرض می کنم و از خود مطلبی ندارم و ما در مظانّ چنین جایگاهی هم نیستیم). ایشان قضیه ای را تعریف می کنند که وقتی برای معالجهٔ چشم در بیمارستان بودند و ما هم آنجا در خدمتشان بودیم، موقع ظهر که می شد، می فرمودند:

فلانی سفرهٔ ما را بیاور، وقتی که غذا را می آوردند ، (سفره عبارت بود از آن دستمال کاغذی که آن را هم پرستارها می آوردند و دستمال کاغذی می گذاشتیم جلو و پهن می کردیم، این سفرهٔ شاهانه ما بود) ، بعد هم ایشان با این تعبیر می فرمودند:

بیاورید سفرهٔ شاهانهٔ ما را پهن کنید غذا بخوریم، بعد می فرمودند: فلانی این سفرهٔ ما را رئیس جمهور آمریکا هم ندارد، و راست و درست هم می فرمودند، یعنی وقتی که این مطلب را می گفتند مشخص بود که از چه دریچه ای به حوادث و حقائق نگاه می کنند.

می فرمودند: این خوشی و لذّت و بی خیالی و راحتی و اطمینان و سکونت کجا پیدا می شود؟ موقع ظهر است بالاخره این شکم باید چیزی درونش برود تا سیر شود و الاّ به دردسر و اذیّت می افتد، حالا شما سفره ای بیندازید که بشقاب ها و قاشق ها از طلا و برلیان باشد، خُب عزیز من شما برلیان و طلا را که نمی خوری! شما غذایی که درونش هست را می خوری!

سالکان طریق الهی نباید به امور اعتباریه دنیا توجّهی داشته باشند

حالا جنس ظروف هر چه می خواهد باشد، انسان وقت و عمر و تمام سرمایه اش را بگذارد و به جای اینکه به آن مسائل اساسی و حیاتی بخواهد برسد، در جمع اموری باشد که آن امور به اندازهٔ پشیزی در رشد و کمال و صلاح او نه تنها هیچ گونه تأثیری ندارد، بلکه موجب تشتّت ذهن و پرداختن به امور اعتباری خواهد شد.

خاصیّت غذایی که در یک ظرف چینی و عادی و بلور و مسی (البتّه ظرف باید از نظر بهداشتی، ظرف خوبی باشد)، از نظر ویتامین ها و مواد آلی و امثال ذلک وجود دارد (بنده به همهٔ شما قول می دهم) به اندازهٔ سر سوزنی با ظرفی که تماما از برلیان خالص باشد فرقی نمی کند، هیچ تفاوت ندارد! قبول ندارید امتحان کنید! (حالا می گویید: ما ظرف برلیان از کجا بیاوریم؟ بروید از همین ظرف های گران قیمت بخرید، نخریدها! اگر بخرید که انسان در بعضی مسائل شک می کند!) بروید مقداری برنج بریزید درونش و یک مقداری هم درون این ظرف های کائوچویی بریزید، ببینید آیا مزه اش فرق می

کند یا نه؟ اگر فرق کرد بگویید آقا اشتباه می کنی! اگر خاصیّتش فرق کرد و مقدار ویتامین هایش فرق کرد و میزان کالری اش فرق کرد، بیایید به ما ایراد بگیرید، ولی اگر فرقی نکرد بدانید جای دیگر ایراد دارد به دنبال رفع ایراد بگردید،

ملاک در تصمیم گیری ها باید تعقّل باشد و نه توهّمات و تخیّلات!

یک فرد منطقی و عاقل و فردی که به دنبال راه صحیح و مُتقن است باید در آن امور و در آن مسیری که شئونات خود را قرار می دهد،جنبهٔ عُقلایی امور را ملاک قرار دهد و نه از جنبهٔ هوا و هوس و تخیّلات در مسائل تصمیم گیری نماید!

خریدن بعضی از وسائل وَلو گران، به نیّت استحکام و به نیّت حُسن عمل و به نیّت دوام هیچ ایراد و اشکالی ندارد، جنبهٔ توهّم نباید در این خریدها دخالت داشته باشد، من هیچ کسی را ندیدم به اندازهٔ مرحوم والدمان که اینقدر در رعایت این مسائلِ اساسی و منطقی، دقیق باشد (چون ایشان خودشان مدرک فنّی هم داشتند).

یک وقتی ایشان در بیمارستان بودند، بنده در اغلب این مواردی که ایشان در بیمارستان بستری می شدند در خدمتشان بودم، طبعا عدّه ای از پزشکان با ایشان ارتباط داشتند یک روز عدّه ای برای دیدن ایشان آمده بودند و نسبت به بعضی از اموری که کوتاهی می شد اعتراض داشتند که: آقا فلان دستگاهی که بهتر از این بود را می توانستند خریداری کنند، بعضی ها ایراد می گیرند و بعضی از افرادی که اینجا هستند می گویند از فلان کشور بگیریم، بعضی می گویند آنجا ارزان تر است! وقتی اینها مطالبشان را گفتند و رفتند ایشان رو به من کردند و گفتند که:

آقا جان! از قدیم گفته اند کسی که جنس ارزانی بخرد معلوم می شود آدم پول داری است، چون فورا خراب می شود و باید یکی دیگر بخرد، گفتند آدم عاقل برای رسیدن به مقصود خودش بهترین راه و بهترین مورد را باید انتخاب کند، جان افراد بازیچه نیست که انسان بخواهد بیاید آن طور برخورد کند.

این حرف، حرف یک عارف است!

وظیفهٔ دولت اسلامی در رابطه با مسائل بهداشتی و رفاهی مردم

دولت اسلام باید برای رسیدگی به امور بهداشت و سلامت و امنیّت جامعه و برای بالا بردن سطح علمی، بهترین امکانات را از هر کجای دنیا فراهم کند، این را یک حرف منطقی می گویند. این می شود یک حرف عُقلائی! یکی از آن افرادی که در آنجا بود می گفت:

فلان کشور کمونیستی با اینکه خودش کمونیستی است ولی ۳۷% از بودجهٔ کشورش صرف در امور بهداشت می شود، و دستگاه هایی که در آنجا هست حتّی در کشور سازنده اش هم کمتر پیدا می شود.

(علامه طهرانی) می فرمودند:« این راه، راه درست است». اینکه انسان وارد توهّمات و تخیّلات بشود و امور خود را بر اساس خیالات بخواهد پی ریزی کند، یک مطلب است و اینکه بهترین راه و بهترین موقع و موقعیّت و بهترین طریق را برای رشد و تعالی ظاهری و باطنی افراد فراهم کند هم، یک مطلبی است، و هر کدام جای خود را دارد.

ایشان در بیمارستان می فرمودند:

این دستمال کاغذی ما را رئیس جمهور آمریکا هم ندارد و حرفشان درست بود و حق با ایشان بود و از طرفی هم می فرمودند: باید گران ترین دستگاه را از تمام دنیا برای بهداشت مردم و گران ترین وسیلهٔ نقلیه را برای حرکت مردم و برای رفت و آمد مردم و گران ترین تجهیزات را برای تعالی جامعه و رشد جامعه باید تهیّه کرد ،هر دو درست است آن در جای خود و این هم در جای خود، هر دو منطقی است و هر دو حق است و هر دو کلام عارف است، چرا؟ چون عارف کلامش مطابق با واقع است!

ملاک در خریداری و استفاده از کالاهای داخلی و خارجی

الآن بنده از شما یک سؤال می پرسم، وقتی شما یک وسیلۀ نقلیّه می خواهید بخرید، آیا وقتی می خواهید بخرید سؤال نمی کنید که کارخانه چه تضمینی روی این خودرو داده و کیفیّت ساخت آن به چه نحو است؟ آیا به این مطالب توجّه نمی کنید؟ حتما این کار را خواهید کرد، چون زن و بچۀ خود را می خواهید سوار این خودرو کنید و از یک شهر به شهر دیگر بروید، از یک کشوری به کشور دیگر می خواهید بروید، طُرُق و راه های ارتباطی متفاوت است، در زمستان می خواهید حرکت کنید، در تابستان می خواهید حرکت کنید، از گردنه ها و پرتگاه ها می خواهید عبور کنید، اگر به شما بگویند: این وسیله ای که در اینجا هست ایمنی ندارد، آیا شما باز هم در قبال آن پول می پردازید؟ اگر این کار را بکنید این مسأله خیلی جای تأمل دارد! یا اینکه نه! می گویید: آقا من وسیله ای می خواهم که خود و زن و بچه و دوست و رفیقم و مردم سوار آن می شوند، جان آنها محترم است، جان مردم محترم است، بهداشت مردم محترم است، اگر شد از اینجا تهیّه می کنم و اگر نشد وسیله را از خارج می آورم و حق هم با شماست، شما دیگر اینجا نمی گویید که اگر وسیلۀ غیر مطمئنی هم بوده باشد، چه اشکال دارد؟ اگر این کار را بکنید اشتباه و خطا کرده اید، و از طرفی هم اگر انسان صرفا به خاطر تخیّلات و اعتبارات و به خاطر زینت های دنیا بخواهد به کالاهای خارجی مراجعه کند، آن هم خلاف است، اگر در همین کشور اسلامی وسیله ای درست شود کاملا مطمئن، طبق نظر کارشناسان بین المللی وسیله، وسیلۀ مطمئن برای حرکت و نقل و انتقال باشد، چرا انسان از جای دیگر بگیرد، چرا پولش را در کشورهای کفر بریزد؟ چرا پولش را بدهد به کسانی که تمام اهداف آنها مال اندوزی و جمع ذخایر و امکانات ملل دنیا و ملت های فقیر می باشد ! چرا انسان به آنها پول بپردازد؟ حتّی شرعا هم اشکال دارد!! اما اگر امر دائر باشد بین اینکه انسان بخواهد به یک وسیلۀ نامطمئن رو بیاورد یا اینکه از خارج تهیه کند، قطعا باید از خارج تهیه کند و شکّی هم در این نیست!! در اسلام، و در راه خدا تمام امور بر اساس واقعیّت و منطبق بر آن می باشد و تمام شئونات و شخصیّت ها و کارهای انسان باید بر اساس منطق باشد.

شعار و تبلیغات در منطق معرفت و حقیقت راه ندارد!

جنبۀ عقلایی باید بر همۀ امور انسان حاکم باشد، شعار، در منطق معرفت و حقیقت راه ندارد، تبلیغات، در منطق معرفت و توحید و راه خدا و جنبۀ عقلانی و منطقی راه ندارد، پرداختن به امور عادی و ظاهری و چشم پر کن راه ندارد، خدا به انسان عقل داده است و طریق استفاده از عقل را اعضا و جوارحی قرار داده است که این اعضا و جوارح با کسب اطلاعات جزئی و رساندن آن به عقل کمک می کنند تا عقل راه دقیق و صحیح را در مقابل انسان قرار دهد، این راه می شود راه عقلائی و این می شود دنیایی که انسان آن دنیا را باید معبر قرار دهد و محل عبور قرار دهد نه محلّ قرار، دیگر در این دنیا کیفیّت کارش باید بر اساس عبور باشد، این طور نیست که هر کسی بخواهد به هر نحوی که می خواهد زندگی کند.